**بصیرت در کلام مرد بصیرت (3)**

**بی بصیرتی، تلاش های گذشته را باطل می کند**

خطبه‌ى فراموش نشدنى زینب كبرى در بازار كوفه یك حرف زدن معمولى نیست، اظهارنظر معمولى یك شخصیت بزرگ نیست؛ یك تحلیل عظیم از وضع جامعه‌ى اسلامى در آن دوره است كه با زیباترین كلمات و با عمیق‌ترین و غنى‌ترین مفاهیم در آن شرائط بیان شده است. قوّت شخصیت را ببینید؛ چقدر این شخصیت قوى است. دو روز قبل در یك بیابان، برادر او را، امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده‌اند، این جمع چند ده نفره‌ى زنان و كودكان را اسیر كرده‌اند، آورده‌اند در مقابل چشم مردم، روى شتر اسارت، مردم آمده‌اند دارند تماشا میكنند، بعضى هلهله میكنند، بعضى هم گریه میكنند؛ در یك چنین شرائط بحرانى، ناگهان این خورشید عظمت طلوع میكند؛ همان لحنى را به كار میبرد كه پدرش امیرالمؤمنین بر روى منبر خلافت در مقابل امت خود به كار میبرد؛ همان جور حرف میزند؛ با همان جور كلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندى مضمون و معنا: «یا اهل الكوفه، یا اهل الغدر و الختل»؛ اى خدعه‌گرها، اى كسانى كه تظاهر كردید! شاید خودتان باور هم كردید كه دنباله‌رو اسلام و اهل‌بیت هستید؛ اما در امتحان اینجور كم آوردید، در فتنه اینجور كورى نشان دادید. «هل فیكم الّا الصّلف و العجب و الشّنف و الكذب و ملق الاماء و غمز الاعداء»؛ شما رفتارتان، زبانتان با دلتان یكسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال كردید ایمان دارید، خیال كردید همچنان انقلابى هستید، خیال كردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین هستید؛ در حالى كه واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده‌ى مقابله‌ى با فتنه بربیائید، نتوانستید خودتان را نجات دهید. «مثلكم كمثل الّتى نقضت غزلها من بعد قوّة انكاثا»؛ مثل آن كسى شُدید كه پشم را میریسد، تبدیل به نخ میكند، بعد نخها را دوباره باز میكند، تبدیل میكند به همان پشم یا پنبه‌ى نریسیده. با بى‌بصیرتى، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، كرده‌هاى خودتان را، گذشته‌ى خودتان را باطل كردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعاى انقلابیگرى؛ اما باطن، باطن پوك، باطن بى‌مقاومت در مقابل بادهاى مخالف..

**بیانات در دیدار گروه كثیری از پرستاران نمونه كشور   1389/02/01**

**امروز ملت ایران به عنوان یك ملت مقتدر در دنیا شناخته شده است**

آن روزى كه قدرتها میتوانستند آزادانه ملتهاى این منطقه را تهدید كنند، تحقیر كنند و هر وقت اراده‌شان تعلق گرفت، بیایند نیرو پیاده كنند و فشار بیاورند، سپرى شده است. امروز ملت ایران به عنوان یك ملت مقتدر در دنیا شناخته شده است. مسئله، مسئله‌ى پول نیست، سلاح نیست، ابزارهاى تبلیغات نیست كه دشمنان ما هزار برابر ما این چیزها را دارند؛ مسئله، مسئله‌ى ایمان است، عزم راسخ است، بصیرت است، آگاهى یك ملت به شأن خود، به جایگاه خود و به حق خود است.

**بیانات در دیدارمردم بوشهر در روز میلاد امام على(ع)    1389/04/05**

**زندگى امیرالمؤمنین سر تا پا درس است**

زندگى امیرالمؤمنین سر تا پا درس است. آن چیزى كه در میان رفتارهاى امیرالمؤمنین - كه شامل همه‌ى خصلتهاى نیك یك انسان و یك زمامدار است - انسان مشاهده میكند و برترینِ این خصوصیات براى امروز ماست، مسئله‌ى بصیرت‌بخشى و بصیرت‌دهى به كسانى است كه نیاز به بصیرت دارند؛ یعنى روشن كردن فضا. در همه‌ى ادوار، این شجاعت بى‌پایان، این فداكارى عظیم، در خدمت آگاه كردن مردم، عمق دادن به اندیشه‌ى مردم و ایمان مردم به كار رفته است.

**بیانات در دیدارمردم بوشهر در روز میلاد امام على(ع)  1389/04/05**

**باید بصیر بود**

باید بصیر بود؛ باید آگاه بود؛ باید هوشیار بود. ملتها در مسیر خودشان، در موارد حساس باید بفهمند دشمن دارد چه كار میكند. وقتى مى‌بینند از عهده‌ى یك ملت با برخورد نظامى بر نمى‌آیند، با برخوردهاى تهدیدآمیز و ارعاب‌آمیز بر نمى‌آیند، آن وقت شروع میكنند از طرق دیگر اخلال كردن؛ این را بفهمیم. ایجاد اختلاف، ایجاد دشمنى، بهانه‌جوئى.

**بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر   1388/09/15**

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای